

تحلیلی بر آیات موزن قرآن کریم^۱

علیرضا صالحی^۲

چکیده

وجود وزن های عروضی یا غیر عروضی در قرآن کریم، از جمله مباحثی است که بارها مورد توجه پژوهشگران قرآنی قرار گرفته است. در این میان افراط و تفریط های بسیاری به چشم می خورد که نتیجه نبود یک نگاه علمی درباره وزن و ماهیت آن و نیز عدم بررسی جامع این موضوع، در ساختار زبانی قرآن کریم است. در این مقاله با تقطیع هجایی کل آیات قرآن کریم، مهمترین پایه های وزنی، که در گونه های مختلف شعر عروضی فارسی و عربی کاربرد دارد، شناسایی و معرفی گردیده است. نتایج نشان می دهد که بخش اعظم آنچه تا کنون به عنوان آیات موزون، در منابع مختلف معرفی گردیده، در بیشتر موارد جایگاه وزنی نداشته و همراه با تصرفاتی در خوانش طبیعی آیات قرآن کریم بوده است. در این مقاله بخشی از آیات موزون قرآن کریم، در شکلها، قالبها و ساختارهای گوناگون، نمونه وار معرفی گردیده و با مطالعه این نمونه ها، تا اندازه زیادی، به گستره و جایگاه آیات موزون در قرآن کریم پی برده می شود.

کلید واژه ها: وزن، آیه، قرآن، آیات موزون

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی اوزان عروضی و تناسبهای آوایی در قرآن کریم" می باشد، که از سوی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب حمایت مالی شده است.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
salehi.iau@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۵/۱۰.

بیان مسأله

موضوع سبک بیانی و زبانی قرآن کریم از دیرباز مورد توجه و مناقشه قرآن پژوهان بوده است. این که آیات قرآن نظم است یا نثر و یا ترکیبی از نظم و نثر، همواره جزو یرسش های اصلی، درباره سبک زبانی قرآن بوده است. نگارنده در مقاله ای با عنوان: "بررسی نظام زبانی قرآن کریم و نقد نظریه جاخط در زمینه وزن آیات وحی (صالحی، ۸۷ - ۱۱۰) تا حدی سعی نموده پاسخی علمی برای اینگونه پرسشها مطرح نماید. در ادامه مباحث مطرح شده در مقاله یاد شده، در این گفتار می خواهیم موضوع آیات موزون قرآن را بر پایه تقطیع هجایی کل آیات قرآن کریم و مبتنی بر نگاهی علمی، تحلیل و بررسی نموده و به دستداران معارف قرآن ارائه نماییم. بسیاری از پژوهشگران آنگاه که درباره وزن سخن تعریفی ارائه می دهند، سعی کرده اند بین وزن در شعر و موسیقی تفاوتی قایل شوند. برای نمونه حسین دهلوی در کتاب پیوند شعر و موسیقی آوازی، بر این باور است که ریتم یا وزن کیفیتی است که در کلام، از توالی هجاهای کوتاه و بلند و در موسیقی از توالی کشش های مختلف حاصل می شود (دهلوی، ۲۳). پرویز ناتل خانلری نیز در کتاب وزن شعر فارسی، می گوید: «وزن، نظم و تناسبی است در اصوات و در شعر به جای اصوات کلمات است» (خانلری، ۹۳). فارابی نیز آنچه در لحن مشابه حروف در شعر است را نغمه نام نهاده (فارابی، ۳۲). شفیعی کدکنی نیز در کتاب موسیقی شعر، مایه کار در موسیقی و شعر را صوت می داند؛ یکی صوت های موسیقی که به حسب نسبت زبروبمی نغمه را و به حسب وقوع در زمان های متساوی ضرب و وزن را ایجاد می کند. جای دیگر صوت های لفظ که ترتیب آن ها به حسب دلالت، صوت های گوناگون به ذهن القا می کند و تنظیم آن صوت ها به حسب آهنگ و وزن نشاط و شوقی در شنونده برمی انگیزد که صورت های ذهنی را جان و جنبشی

می بخشد و از آن حالت خاصی در نفس پدید می آید و این خوش آهنگی متغیر از احساسات شاعران در تأثیر آنها نقش عمده ای دارد (شفیعی کدکنی، ۴۷). آنچه در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته و در وزن شناسی آیات وحی مبنا بوده است، این است که ماهیت وزن در موسیقی و شعر یکی است و تنها در صورت نموداری اوزان، در دو عرصه یاد شده تفاوت هایی دیده می شود. همه آیات قرآن کریم بر پایه روش ضربی یا کوبه ای و تشخیص تک ضرب، دوضرب و سه ضرب های موجود در زنجیره آیات قرآن کریم و تطبیق آنها با روش های تقطیع، در عروض سنتی، بررسی وزنی شده و در این بین، آیات موزون شناسایی گردیده اند.

چگونگی آیات موزون قرآن کریم

همه کسانی که با ادبیات فارسی و عربی آشنایی دارند، می دانند که اوزان به کار رفته در آثار منظوم فارسی بسیار روان و پرطنین هستند و از اختیارات و ضرورت های شاعری بهره برداری و استفاده اندکی کرده اند. در مقابل، بخش قابل توجهی از اوزان به کار رفته در آثار نظم عربی، بسیار سنگین و به دلیل استفاده شاعر از ضرورت ها و اختیارات شاعری، سلاست و روانی خود را برای خواننده فارسی زبان از دست داده اند. در این زمینه می توان پژوهش مستقلی انجام داد و با ذکر شواهد و دلایل، زوایای گوناگون موضوع را باز نمود و ارائه کرد.

با این مقدمه، پرسشی که می تواند مطرح شود این است که آیات موزون قرآن کریم، به کدام یک از ساخت های آثار منظوم ادب فارسی و عربی نزدیکی و همسویی بیشتری دارد؟

با نگاهی گذرا به آیات موزون قرآن کریم، در می یابیم که این آیات، از نظر روانی و رسایی و نبود هر گونه جلوه ضرورت و اختیارات وزنی در آنها، با آثار منظوم فارسی همسویی و هماهنگی کامل دارد.

جالب است بدانیم برخی وزن‌ها مانند متقارب و رمل و دیگر پایه‌های وزنی، که به باور سخن‌سنجان، از اوزان غالب و ویژه در آثار منظوم فارسی هستند، فراوانی و بسامد قابل توجهی در بین آیات موزون قرآن کریم دارند.

اگرچه این انگاره نیز نیاز به بررسی و پژوهش‌های بیشتر دارد، اما می‌توان از پیوند‌هایی که میان اوزان قرآنی و وزن‌های آثار منظوم ادب فارسی وجود دارد، چنین استنباط کرد که بسیاری از شاعران فارسی‌زبان، به دلیل ارتباط گسترده با قرآن کریم، به نوعی تحت تأثیر موسیقی کلامی آیات وحی قرار گرفته و آیات موزون در شکل‌گیری صورتهای وزنی، در آثار آنان تأثیرگذار بوده است؛ اگر باور بسیاری از عروض دانان که، پایه‌های وزنی شعر فارسی را برگرفته از عروض عربی می‌دانند را بپذیریم، باید بین وزن‌های شعر عربی و فارسی از جهات گوناگون همسویی و هماهنگی دیده می‌شد، و شاعران در گستره این دو زبان، وزن اشعارشان به یکدیگر شباهت فراوانی پیدا می‌کرد؛ ولی با نگاهی گذرا می‌توان فهمید که چنین ارتباط تنگاتنگی وجود ندارد و اختلافات وزنی بین این دو زبان بسیار معنادار است.

البته در این باب نمی‌توان تفاوت‌های ساختاری و گویشی میان زبان فارسی و عربی را نادیده گرفت؛ اما آنچه مبرهن است نزدیکی، همسویی و هماهنگی وزن آثار منظوم فارسی، با اوزان قرآنی و نه با آثار ادب عربی است. موضوعی که در فرصت‌های بعدی باید به تفصیل درباره آن سخن گفت و در این گفتار مجال پردازش بیشتر آن وجود ندارد.

نکته دیگر اینکه بر خلاف عروضیان قدیم، که وزن را محدود می‌کرده و در چند زنجیره وزنی خلاصه می‌نمودند، وزن زمینه گسترده‌ای دارد و منحصر و محدود به چند قالب وزنی نمی‌شود.

در این عرصه نکته مهمی وجود دارد و آن اینکه همه صورتهای وزنی، کیفیت موسیقایی یکسانی ندارند. این کیفیت را گوش تشخیص می دهد و معیار و میزان مشخصی برای آن نمی توان یافت. این موضوع در بین افراد گوناگون و قومیت های مختلف هم می تواند متفاوت باشد. ممکن است وزنی برای کسی خوشایند و برای دیگری ناخوشایند باشد. همچنین وزنی برای یک فارسی زبان خوشایند، اما برای یک عرب زبان یا انگلیسی زبان صورت خوشایندی نداشته باشد. آیات موزونی که در این مقاله معرفی می کنیم، از زنجیره های وزنی مشهور میان فارسی زبانان و اعراب است که شاعران و سخن سرایان بارها بر پایه آنها سخن سرایی کرده و اشعار نابی را پدید آورده اند. البته بخشی از وزنهای هم نمونه ای شعری برای آنها نمی توان یافت و کاملاً بکر هستند.

همان گونه که گفتیم، در حوزه زبان عربی و به جهت ماهیت این زبان، وزن های سنگین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و شاعران و سخن سرایان عرب این گونه وزنهای را بیشتر از اوزان دیگر استفاده کرده اند.

بخش اعظم وزنهای سنگین، بر پایه ترکیب رکن های مختلف و غیر تکراری با یکدیگر ساخته می شود. قصیده معروف بحتری نمونه ای از این نوع وزن است:

صنّت نفسی عمّایدنس نفسی و ترفعت عن جدا کل جیس
(انوار، ۲۱)

فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن
وزنهایی که بر پایه تکرار رکن و یا تکرار ترکیب دو رکن شکل می گیرند، معمولاً جزو وزن های سبک، مطنطن و به نوعی هیجان آور محسوب می شوند. این نوع وزنهای بیشتر در شعر فارسی نمود دارند و در اشعار عربی کمتر دیده می شوند. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که حرکت و پویایی عظیم موجود در بطن

و محتوای آیات الهی در ظاهر آیات وحی نیز پدیدار گردیده است. این ویژگی اگرچه در جای جای قرآن کریم نمودار است، اما در آیات جزء های آخرقرآن کریم نمود بارزتر و بیشتری دارد. به نظر می رسد بین اوزان هر سوره با رویکرد موضوع کلی حاکم بر آن، تناسبی وجود داشته باشد که این موضوع هم مانند سایر موارد یاد شده نیازمند بررسی دقیق تری می باشد.

از دیگر ویژگیهای آیات موزون قرآن این است که وزن این آیات جزو وزن های اصلی هستند. همان گونه که می دانیم در شعر عربی و گاهی در شعر فارسی، شاعران اشعاری می سرایند که از وزن اصلی برخوردار نیست و بر پایه قواعدی که به عنوان ضرورات و اختیارات شاعری، برای خود تعریف کرده اند، وزن غیر اصلی را به اصلی تبدیل می کنند. گاهی به ضرورت و خارج از جریان عادی کلام، یک هجای کوتاه را بلند تلفظ کرده و دو هجای کوتاه را تبدیل به یک هجای بلند و... می کنند.

نکته دیگری که در باب آیات موزون می توان اشاره کرد، تنوع و گستردگی وزنها در کتاب شریف قرآن کریم است. افزون بر اوزان معروف و غیر معروفی که سخن پردازان فارسی و عربی، در آثار خود بکار گرفته اند و نمونه های وزنی آنها در قرآن کریم یافت می شود، در کتاب وحی با اوزانی روبرو می شویم که کاملاً بدیع هستند و زمینه و گستره وزنی جدیدی را می توانند برای آنان ایجاد نمایند. این موضوع نیز نیازمند بحث مستقلی است که در جای خود باید بدان پرداخته شود.

اگرچه در این مقاله ما عنوان آیات موزون را به کار گرفته ایم، اما باید بدانیم همه آیات موزون، در قالب آیه ای مستقل نیستند و بیشتر آنچه ما آیات موزون می خوانیم، در قالب جمله یا عبارتی کامل است که در دل آیات الهی نمود یافته و بخشی از آیه را شامل می شود. مهمترین ملاک ما در معرفی آیات موزون این

است که آیه موزون، جمله ای مستقل و کامل و دربردارنده پیام قرآنی مشخص و معلومی باشد. این آیات موزون گاه همراه با حرف ربط ماقبل خود و گاه بدون حرف ربط ماقبلشان صورت وزنی پیدا می کنند. همچنین گاه وزن به دست آمده بر اساس ساکن خواندن حرف آخر جمله و گاهی بر پایه متحرک خواندن آن است.

بیشتر اشعار فارسی و عربی، سه رکنی و چهار رکنی هستند و اشعار دو رکنی و پنج رکنی و شش رکنی بسیار کم داریم. بیشتر اوزان شناسایی شده در قرآن کریم هم، سه رکنی و چهار رکنی هستند و البته وزنه‌های دو رکنی هم به همان نسبت یافت می شود. در موارد معدودی شاهد وزنه‌های پنج رکنی و بیشتر هم هستیم.

اما نکته بسیار مهمی که در پایان باید بدان اشاره کنیم این است که، آیات موزون، با همان مشخصاتی که در این بخش مورد تأکید قرار گرفت، مانند حلقه‌هایی هستند که در کنار دیگر حلقه‌ها و مؤلفه‌ها، زنجیره کلامی قرآن کریم و نظام زبانی قرآنی را تشکیل می دهند. در شکل‌گیری زنجیره و نظام زبانی قرآن کریم، افزون بر حلقه‌های موزون کلامی، فاصله، ترادف، تجانس، توارد، تکرار و دهها مؤلفه و حلقه دیگر نقش دارند که مجموعه آنها در کنار یکدیگر، نظام زبانی قرآن کریم را تشکیل می دهند که با هیچ نظام و ساختار زبانی دیگری قابل مقایسه نیست. نظامی که از همه ظرفیت‌های سخن، که در نظم، شعر، نثر ادبی، زبان علمی و حتی زبان عامیانه، می تواند نمود یابد، در عالیت‌ترین جلوه‌ها و سطح‌ها بهره برده، اما در هیچ جلوه‌ای منحصر و محدود نگردیده است. قرآن کریم، بر پایه این جامعیت زبانی، نمونه و نظیری در عالم هستی نداشته و نخواهد داشت. حقیقت اعجاز قرآن، به همان اندازه که در بطن، محتوا و پیام آیات وحی جلوه‌گر

است، در زبان و ظاهرا این کتاب آسمانی نیز نمود یافته و درک حقایق آن، روشنگر راه سالکان طریق معرفت قرآنی خواهد بود.

مرز میان آیات موزون و آیات موزون افتاده

در باره آیات موزون و کیفیت آنها کارهای علمی دقیقی صورت نگرفته است. در میان مباحث کلی که در باره سبک بیان قرآن کریم و اشارت هایی که درباره موزونی یا بی وزنی آیات قرآن، در آثار شخصیت های بزرگی چون جاحظ، سیوطی، باقلانی، جرجانی، عبدالملک اصمعی، ابو عبید قاسم بن سلام، الحموی و دیگر قرآن پژوهان رفته است، کتاب انوار الریع فی الانواع البدیع، اثر صدرالدین دشتکی شیرازی را می توان اولین قدم اساسی در معرفی آیات موزون قلمداد کرد. او در این کتاب افزون بر شانزده وزنی که ابن حجه حموی، در کتاب خزانه الادب و غایة الارب آورده، بیست و دو عبارت موزون دیگر را معرفی می کند. جالب است بدانیم بیشتر کسانی که در باب آیات موزون قرآن سخن گفته و نمونه هایی را آورده اند، معتقدند که این آیات به تعبیر اخوان ثالث، آیات موزون افتاده اند و نه آیات موزون. همان چیزی که جاحظ با آوردن مثال "من یشتري باذنجان" (مستفعلن مفعولن)، به طرح آن می پردازد و وجود این گونه وزنها در گستره زبان را امری طبیعی و نه هدایت شده و هدفمند برمی شمارد. اخیراً هم مقاله ای در یکی از مجله های علمی، با عنوان "اعجاز موسیقایی قرآن در آئینه عبارتهای موزون (شریف و بهرامی، ۱۳۹۷) به چاپ رسیده که به معرفی آیات موزون قرآن کریم می پردازد. در مجموعه کارهای صورت گرفته و مواردی که درباره آیات موزون نقل گردیده، کاستیها و نقایصی به ترتیب زیر دیده می شود:

۱- آیات موزون به صورت موردی و گزینشی مطرح شده و برپایه پژوهشی

جامع، در کل قرآن کریم نبوده است.

۲- در بسیاری موارد موضوع آیات موزون با قطعات موزون طبیعی که در کلام عادی نمود پیدا می کند، آمیخته شده و نقطه تمایزی میان این دو زمینه دیده نشده است.

۳- از آنجایی که پرداختن به موضوع وزن و ابراز نظر در باب آیات موزون و مسایل ماهوی آن، نیازمند داشتن درک درست و جامع نسبت به مبانی علمی موسیقی و شعر است، در اکثر آثار ضعف مبنایی نسبت به مقوله های یادشده مشاهده می شود.

اگر ما نتوانیم مرز مشخصی بین عبارتهای موزون قرآنی و قطعات موزون افتاده قرآن کریم، ترسیم نماییم، این گونه کجرویها که شمه‌ایی از آن را بیان کردیم، ادامه خواهد یافت و قضاوتی محکم و علمی درباره آیات موزون صورت نخواهد پذیرفت.

در نوشته زیر که نمونه‌ای از نشر اداری روزگار ماست، در نگاه نخست و هنگامی که آن را بر پایه روند طبیعی گفتار می خوانیم، هیچ جلوه موزونی مشاهده نمی کنیم.

به اطلاع کلیه اعضای محترم صندوق خیریه افق می‌رساند، که امروز دوشنبه ساعت پنج عصر، جلسه ای در محضر خانم کمالی، ریاست محترم صندوق، برگزار می شود. از کلیه اعضا انتظار می رود رأس ساعت مقرر در ساختمان صندوق، به آدرس تجریش، به سمت کوی دربند، ده متری عنصرالمعالی، پلاک ۲۲، واحد ۵، حضور یابند. ضمناً فهرست هزینه های جاری صندوق در سال ۱۳۹۶ به پیوست تقدیم می گردد.

حال اگر در همین نامه کوتاه، برخی عبارتها را از متن جدا کرده، و به صورت

مجزا بخوانیم، کمینه پنج وزن یکسان با استفاده و با اجتناب به دست آمده عبارتند از:

۱. امروز دوشنبه ساعت پنج مفعول مفاعیلن فعولن
۲. در محضر خانم کمالی مفعول مفاعیلن فعولن
۳. تجریش به سمت کوی دربند مفعول مفاعیلن فعولن
۴. فهرست هزینه های جاری مفعول مفاعیلن فعولن

قطعات موزون بالا، که از دل یک نوشته اداری بی وزن و نظم، بیرون کشیده شده، در زمره و همانند آیات موزون افتاده و نه آیات موزون است که هرگز عنوان موزونی نمی توانیم بر آنها بدهیم و جزو پدیده های ذاتی و طبیعی زبان به شمار می آیند.

ظهور برخی پایه های وزنی، عروضی و یا غیرعروضی، در صحنه کلام امری کاملاً طبیعی و بدیهی و ناخودآگاهانه است. یعنی گوینده یا نویسنده بدون آنکه بخواهد یا خود خبر داشته باشد، فکرش با صورتهایی از وزن آمیخته می شود. از آنجایی که این صورتهای وزنی، در حالت طبیعی با واژه های قبل و بعدشان پیوند برقرار می کنند، دیگر از حالت موزونی خارج می شوند. به بیان علمی چنین می توان گفت که در هر نوشته، کلمه ها و عبارتهایی وجود دارد که ما در اصطلاح، آنها را وزن شکن می نماییم. برای نمونه حرف ربط «که» که قبل از جمله موزون «امروز دوشنبه ساعت پنج» و کلمه «عصر» که در پایان این عبارت موزون آمده، وزن عبارت یاد شده را می شکنند و به کلام عادی تبدیل می کنند. افزون بر این ها با بهره گیری از برخی ابزارهای زبانی مانند تکیه، کشش، سکوت و لحن، می توان یک عبارت بی وزن را موزون نشان داد.

اما در مقابل این آیات موزون افتاده، در قرآن کریم جلوه هایی از کلام موزون

وجود دارد که البته با آنچه در نظم و شعر دیده می شود، باز تفاوت‌های اساسی دارد و تنها به عنوان پایه های وزن می توان از آنها بهره گرفت و جزو آیات موزون به حساب آورد. پایه وزن در یک مصرع شعری نمود می یابد. برای نمونه: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» یک پایه وزنی است. این پایه وزنی در کوچکترین قالب شعری، یعنی تک بیت، در دو مصرع چهار رکنی یکسان خود را نشان می دهد.

بلبلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت

وندران برگ و نوا خوش ناله های زار داشت

فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

تکیه اصلی این مقاله بر معرفی آیات موزون، و بیان ویژگیهای این گونه آیات است.

در همین زمینه شفیع کدکنی در کتاب موسیقی شعر اشاره ای دارد بر اینکه برخی قدما، آیاتی از قرآن کریم را در بحوری از بحور عروضی یافته اند. هنگامی که آن آیات را با توجه به یادآوری آنها می خوانیم، به گونه ای می خوانیم که کاملاً قابل انطباق با اوزان عروضی است. ولی وقتی قرآن را مجرد از این یادآوری آنان می خوانیم به هیچ وجه وزن عروضی در آن احساس نمی کنیم (شفیع کدکنی، ۵۴۳). منظور شفیع کدکنی از کارهای برخی از قدما، قصیده صفی علیشاه در مدح علی (ع)، که در آن برخی از آیات را به عنوان مصرع دوم قصیده آورده (انوار الربع، چاپ سنگی، ۴۲۰) و مقاله اخوان ثالث با عنوان آیات موزون افتاده (یادنامه علامه امینی، ۱۶۲۴۵) و مقدمه احمد علی رجایی بخارایی بر کتاب پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در قرون اول هجری می باشد (رجایی بخارایی، ۵۶ - ۴۷). ایشان در این زمینه همچنین به بیان ابراهیم انیس در کتاب موسیقی الشعر، استناد می کند

که در آنجا گفته است: «وقتی با ترتیل قرآنی، این آیات خوانده شوند، هیچ وزنی (منظور اوزان عروضی) احساس نمی شود» (ابراهیم انیس، ۳۲۲ - ۳۳۲). نگارنده با مراجعه به کلیه منابع یاد شده و دیگر منابع موجود در این زمینه، بر پایه آنچه در تحلیل آیات موزون آورده شده است، تاکید می کند، که آنچه در قرآن کریم به عنوان آیات موزون می شناسیم، حلقه های موزونی هستند، که در کنار حلقه های ناموزون قرار گرفته اند و به همین خاطر در هنگام خواندن آیات الهی، در جریان عادی گفتار، بین دیگر حلقه های بی وزن قرار می گیرند و در این زنجیره های کلامی، موزون بودن آنها احساس نمی شود.

همچنان که وزن یک مصرع یا بیت، وابسته به تکرار و توالی ارکان موزون است و یک رکن موزون به تنهایی نمی تواند وزن ایجاد کند، آیات موزون قرآنی هم زمانی ظهور و بروز واقعی خواهند داشت که تکرار و توالی داشته باشند و در بین آیات بی وزن پیش و پس خود محصور نگردند. در برخی نمونه ها، که آیات موزون قرآنی به دنبال هم می آیند، و وزنها تکرار می شوند، خواننده به خوبی موزون بودن کلام را احساس می کند؛ مانند آنچه در سلسله آیاتی نظیر: **والذاریات ذروا - فالحاملات وقرا - فالجاریات یسرا - فالمقسمات امرا** و دیگر نمونه هایی که در بخش اول معرفی آیات موزون این مقاله به آنها اشاره کرده ایم نمود پیدا می کند. نکته مهم در اینجا این است که عدم احساس وزن آیات موزون در هنگام تلاوت قرآن کریم، چنانچه شفیعی کدکنی مطرح کرده است، به نوع خواندن مربوط نمی شود، بلکه به قرار گرفتن آیات موزون در بین آیات ناموزون (منظور آیاتی است که وزن عروضی ندارند) ارتباط دارد؛ باز در این مقاله تاکید کرده ایم که، ما آیاتی را به عنوان آیات موزون می شناسیم که مطابق جریان عادی کلام، وزن در آنها نمود یافته، و بر مبنای آن چیزی که جاحظ

ادعای کند که عجم (مقصودش ایرانیان است) کلمات را می کشند و کوتاه و بلند می کنند تا با آهنگ تطبیق کنند و بدینسان ناموزون را بر چیزی موزون قرار می دهند نیست. (قیروانی، ۳۱۴).

برای نمونه اگر آیه شریفه: «الذین ینقضون عهد اله من بعد میثاقه» (البقره، ۱۷) را در مجرای طبیعی زبان جاری کنیم، ارکان به دست آمده مبتنی بر شکل عادی تلفظ، به صورت زیر است و وزن مشخصی از آن به دست نمی آید:

الذین / ینقضون / عهدالله / من بعد / میثاقه
فاعلاتن / فاعلاتن / مفعولات / مفعول مستفعلن

این آیه بر پایه صورت طبیعی زبان، به پنج رکن تقسیم شده، که این پنج رکن بدون هیچ تکیه، سکوت، کشش و لحن اضافی، پشت سر هم تلفظ می گردند و خواننده و شنونده، در آن وزن مشخص و معروفی را احساس نمی کند. اما اگر آیه بالا را به شکل زیر رکن بندی نمائیم و بین هر رکن، مکث و سکوت کوتاهی داشته باشیم و به برخی از هجاها تکیه بدهیم، آیه تقریباً موزون شده، با صورت قبلی کاملاً متفاوت است:

الذین / ینقضون / عهدالله من ° / بعد میثاقه
فاعلاتن / فاعلاتن / فع لن فاعلن / فاعلن فاعلن

در این نمونه بر پایه سکوت هایی که در قسمت های مختلف اعمال می کنیم، آیه به چهار بخش تقسیم شده و در پایان هر بخش، خواننده باید مکث کوتاهی کرده و بخش قبلی را به سرعت به بخش بعدی الحاق نکند. برای روشن شدن بیشتر مطلب نمونه ای نیز از شعر فارسی می آوریم. بیت:

ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی

جهان و هر چه درو هست صورت اند و تو جانی

مطلع یکی از غزل‌های زیبای سعدی است که وزن مشهور آن: مفاعلن / فعلاتن / مفاعلن / فعلاتن می باشد. حال در بیت بالا وقتی حرف «به» را به دنبال «ندانمت می آوریم» و مکث می کنیم، «به» که هجای کوتاه است، چون با سکوت مواجه می شود، با تقطیع ضربی به یک هجای بلند تبدیل می شود. اما وقتی حرف «به» به «حقیقت» وصل می شود، شکل هجای کوتاه به خود می گیرد و همین است که موجب ایجاد اختلال در صورت وزن می گردد. این موضوع در بخش بعدی مصرع یعنی وقتی حرف «که» را جدا تلفظ کنیم و به کلمه بعدی اش یعنی «در» وصل نکنیم صادق است. حال اگر بیت را از برپایه آنچه گفته شد، از صورت تلفظی طبیعی و اصلی آن خارج کنیم و برپایه بخش بندی زیر و با اعمال سکوت کوتاه در پایان هر بخش بخوانیم، با صورت وزنی دیگری رو به رو هستیم که روانی خود را کاملاً از دست داده و به وزن غیر معروف، با درجه گوشنوازی بسیار پایین تری خود نمایی می کند.

ندانمت به ° / حقیقت که ° / در جهان به ° / که مانی °

مفاعلن فع / فعولن / فاعلاتن / فعولن

یا اگر بیت را با بخش بندی زیر بخوانیم، کلاً شکل جدید پیدا کرده و از هیچ گونه صورت وزنی برخوردار نیست.

ندانمت ° / به حقیقت که ° / در جهان ° / به که ° / مانی

مفاعلن / فعلاتن فع / فاعلن / فعل / فع لن

بر پایه آنچه گفته شد، با بخش بندی های مشخص و سکوت ها و تکیه های که در یک جمله اعمال می کنیم، هم می توانیم عبارات موزون را از وزن بیندازیم و هم به یک عبارت و جمله بی وزن، وزن ببخشیم.

آنچه ما به عنوان آیات موزون قرآن کریم نقل می کنیم، وزن آیه، بر بستر

طبیعی زبان به دست آمده و هیچ گونه دخل و تصرفی در بستر طبیعی زبان صورت نگرفته است.

برگزیده‌ای از آیات موزون

در این بخش نمونه‌هایی از آیات موزون، از سوره‌های مختلف قرآن کریم را معرفی می‌کنیم. این آیات بر پایه شرایط و ویژگی‌های خاصی که دارند، در شش گروه به ترتیب زیر طبقه‌بندی شده‌اند. البته امکان طبقه‌بندی‌های دقیق‌تر و گسترده‌تر آیات موزون، همراه با ذکر شواهد وزنی آنها در آثار ادب فارسی و عربی و حتی تحلیل علمی آیات موزون در قالب هر یک از سوره‌های قرآن کریم امکان‌پذیر است. و البته جستارهای گسترده‌تر و مجال دیگری را طلب می‌نماید. بی‌تردید مباحثی که در باره کیفیت آیات موزون و جلوه‌ها و جنبه‌های گوناگون آن در این مقاله بیان گردید، به همراه نمونه‌آیه‌های موزونی که در ذیل آورده ایم، برای داشتن درک درستی از آیات موزون قرآن کریم، در ساحت نظام بی‌بدیل قرآنی، تا اندازه زیادی بسنده و راهگشا خواهد بود.

الف: آیات موزون متوالی

در بین آیات موزون قرآن کریم، به آیاتی برمی‌خوریم که دو یا چند آیه هم وزن، پشت سرهم آمده و به صورت یک بیت، سه مصرع یا یک رباعی نمود یافته‌اند. این نمونه‌ها بیشترین نزدیکی را به سخن منظوم دارند. در برخی نمونه‌های زیر گاهی وزن آیه اول و یا آیه آخر، با وزن بقیه آیات متفاوت است.

۱. وَالصَّافَّاتِ صَفًّا - فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا - فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (۳۷ / ۱ - ۳) -

فع لن فاعلاتن / مستفعلن فعولن / مستفعلن فعولن

۲. وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا - وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا - وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا -
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۷۹ / ۱ - ۴) - مفعول فاعلاتن (۴ بار) -
۳. وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا - فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا - فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا - فَالْمُقَسَّمَاتِ
أَمْرًا (۵۱ / ۱ تا ۴) - مفعول فاعلاتن (۴ بار) -
۴. وَالعَادِيَاتِ ضَبْحًا - فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۱۰۰ / ۱ و ۲) - مفعول
فاعلاتن (۲ بار) -
۵. فَاتَّزَنَ بِهِ نَفْعًا - فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۱۰۰ / ۴ و ۵) - فعلات
مفاعيلن (۲ بار) -
۶. أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا - ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۸۰ / ۲۵ و ۲۶) -
مستفعلن مستفعلن فح (۲ بار) -
۷. وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ - أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۵۶ / ۱۰ و ۱۱) - مستفعلن
مستفعلن (۲ بار) -
۸. فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ - فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ - قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (۱۰۱ / ۷) -
مستفعلن فاعلن / مستفعلن فاعلن / مفاعلن فاعلن -
- ب: بخشی از آیات موزون قرآن کریم در یک آیه کامل نمود یافته و ارزش
موسیقایی بیشتری دارد. نمونه هایی ازین گونه آیات در زیر آمده است.
۱. ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۵۰ / ۳۴) - فاعلاتن فاعلاتن
فاعلاتن فاعلن
۲. إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷ / ۵۲) - مفتعلن مفاعلن فعولن
۳. يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (۵۲ / ۱۳) - مفتعلن مفتعلن
مفتعلن مفاعلن

٤. وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحُهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (٥٢ / ٤٩) - فاعلاتن فاعلاتن
فاعلاتن فاعلن

٥. هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (٤٠ / ٥٤) - مفاعلن مفتعلن مفعولن

٦. اٰمُ اَبْرٰمُوۡا اَمْرًا فَاِنَّا مُبْرَمُوۡنَ (٤٣ / ٧٩) - مستفعلن مستفعلن
مستفعلن

٧. كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (٤٤ / ٤٥) - مستفعلن مستفعلن

٨. اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (٩٦ / ١) - فع لن فاعلات فاعلات فع

٩. اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ الْفُوْزِ الْعَظِيْمِ (٣٧ / ٦٠) - فاعلاتن فعلاتن فاعلن

١٠. اذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى (٧٩ / ١٧) - مستفعلن مستفعلن
مفاعلن

١١. فَاِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوۡنَ (٧٧ / ٣٩) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

١٢. اَيُّحْسَبُ الْاِنْسَانَ اَلَّنْ نَّجْمَعُ عِظَامَهٗ (٧٥ / ٣) - مفاعلن مستفعلن

مستفعلن فعولن

١٣. اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ حَقُّ الْيَقِيۡنِ (٥٦ / ٩٥) - فاعلاتن فعلاتن فاعلن

١٤. هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُوۡنَ (٥٥ / ٤٣) - فاعلن

مفاعلن مفاعلن مفاعلن فاعلن

١٥. اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيۡنًا (٤٨ / ١) - فع لن فعولن مفاعيلن فعولن

١٦. قَالْ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيۡنَ (٣٨ / ٨٠ - ٣٧ / ١٥) - فع لن مفاعلن

مفاعيلن فع

١٧. رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصّٰلِحِيۡنَ (٣٧ / ١٠٠) - فاعلن فاعلن فاعلن

١٨. اِذْ جَاءَ رَبُّهٗ بِقَلْبٍ سَلِيۡمٍ (٣٧ / ٨٤) - مستفعلن مستفعلن فاعلن

١٩. سَلَامٌ هِيَ حَتّٰى مَطَّلَعِ الْفَجْرِ (٩٧ / ٥) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۲۰. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵ / ۸۶) - مستفعلن مستفعلن فاعلن

۲۱. هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶ / ۲۳) - فع لن فعولن مفاعيل

فع

ج: گروه سوم آیات، که بیشترین تعداد آیات موزون را نیز شامل می شود، عبارتند از جمله های کامل موزونی که در دل یک آیه مرکب قرار گرفته و بخشی از آیه محسوب می شوند و نه همه آن. در زیر نمونه هایی از این گونه آیات را می آوریم.

۱. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۴ / ۱۴۱) - فعولن

فعولن فعولن فعولن فعولن

۲. وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۱ / ۱۲۳) - فعولن فعولن فعولن

فعولن

۳. وَإِنْ يَسْتَعْجِلُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ (۱۸ / ۲۹) - فعولن فعولن فعولن فعولن

۴. فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ (۲۲ / ۴۲) - فعولن

فعولن فعولن فعولن

۵. وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۵ / ۱۷) - فعولن فعولن فعولن

فعولن

۶. اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۲ / ۱۱۰) - فعولن فعولن فعولن فعولن

۷. وَأْمُرْ لِهَيْبَةٍ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۷ / ۱۸۳) - فعولن فعولن فعولن فعل

۸. وَلَا تَبَخَّسُوا النَّاسَ أَمْشِيَّاهُمْ (۷ / ۸۵) - فعولن فعولن فعولن فعل

۹. سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۳۷ / ۷۹) - فعولن فعولن فعولن فعل

۱۰. لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ (۳۳ / ۵۰) - فعولن فعولن فعولن فعل

۱۱. وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵ / ۱۱۷) - فعولن فعولن فعولن فعل

١٢. وَلِكَاْفِرِيْنَ عَذَابٌ أَلِيْمٌ (٢ / ١٠٤) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٣. وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (٢ / ١٠٤) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٤. وَكُنَّا نَحْوُ مَخِ الْخَائِضِيْنَ (٧٤ / ٤٥) - فعولن فعولن فعولن فعل
١٥. فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا (٣٣ / ٧١) - فعولن فعولن فعولن
١٦. قُلِ الرُّوْحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي (١٧ / ٨٥) - فعولن فعولن فعولن
١٧. بَدِيْعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٢ / ١١٧) - فعولن فعولن فعولن
١٨. قِيَمَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيْلًا (٧٣ / ٢) - فعولن فعولن فعولن
١٩. فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (٨٤ / ١١) - فعولن فعولن فعل
٢٠. أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِيْنَ (٧٧ / ١٦) - فعولن فعولن فعل
٢١. وَيَقُوْلُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (٧٨ / ٢٤) - فاعلاتن فاعلاتن
- فاعلاتن فاعلاتن
٢٢. لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّوْنَ (٣ / ٩٢) - فاعلاتن فاعلاتن
- فاعلاتن فاعلاتن
٢٣. لَا يَزِيْدُ الْكَافِرِيْنَ كُفْرَهُمْ إِلَّا خَسَارًا (٣٥ / ٣٩) - فاعلاتن فاعلاتن
- فاعلاتن فاعلاتن
٢٤. فَادْكُرُوا اللّٰهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُوْنُوْا تَعْلَمُوْنَ (٢ / ٢٣٩) - فاعلاتن
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
٢٥. جَنَّتَانِ عَنِ يَمِيْنٍ وَشِمَالِ (٣٤ / ١٥) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٦. أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (٢ / ٢٦٧) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٧. وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٢ / ٩٣) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٨. فَادْكُرُوا اللّٰهَ قِيَامًا وَقُعُوْدًا (٤ / ١٠٣) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
٢٩. وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا (٢ / ٩٣) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۳۰. لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹ / ۵۳) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۱. قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (۱۱۷ / ۲۶) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۲. ثُمَّ أَقْرَزْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۸۴ / ۲) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۳. قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (۲۸ / ۲۶) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۴. أَتْرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶ / ۱۱) - فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۵. وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۴۵ / ۸) - فاعلاتن فاعلاتن

۳۶. فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ (۱۰۳ / ۴) - فاعلاتن

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳۷. قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلامُ الْغُيُوبِ (۴۸ / ۳۴) - مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۳۸. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶ / ۴۵) - مستفعلن

مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۳۹. إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶ / ۵۹) - مستفعلن مستفعلن

مستفعلن

۴۰. قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً (۱۹ / ۶) - مستفعلن مستفعلن مفاعلن

۴۱. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ (۲ / ۷۲) - مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۴۲. فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲ / ۴۰) - مستفعلن مستفعلن فاعلن

۴۳. وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَنْ يَشَاءُ (۲۴۷ / ۲) - مستفعلن مستفعلن فاعلن

۴۴. تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا (۳۱ / ۲۴) - مستفعلن مستفعلن فع

۴۵. بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ (۱۷ / ۲۵) - مستفعلن مستفعلن

۴۶. وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۱۰۵ / ۲) - مستفعلن مستفعلن

۴۷. لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ (۶۱ / ۲۴) - مستفعلن مستفعلن

٤٨. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ (٤١ / ٤١) - مستفعلن مفتعلن
مستفعلن مستفعلن

٤٩. قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ (٤٣ / ٣٤) - مستفعلن مفتعلن
مستفعلن مستفعلن

٥٠. أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا (٤٤ / ٧) - مستفعلن مستفعلن
مستفعلن فع لن

٥١. قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ (٣٩ / ٣٤) - مستفعلن
مستفعلن مستفعلن فعولن

٥٢. وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ (٥٠ / ٥) - مستفعلن مستفعلن
مفاعن فعولن

٥٣. ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ (١٨ / ٤٥) - مستفعلن مستفعلن
مفاعن فعولن

٥٤. أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (١٧ / ٧٩) - مستفعلن مستفعلن
مفاعن

٥٥. وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي (٢٤ / ١٨) - مستفعلن مستفعلن فعولن
٥٦. إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (٥٧ / ١١) - فاعلن فاعلن فاعلن

فاعلن

٥٧. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (١ / ١١٣) - فاعلن فاعلن فاعلن

٥٨. رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (١٠٠ / ٣٧) - فاعلن فاعلن فاعلن

٥٩. إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (٩٠ / ١١) - فاعلن فاعلن فاعلن

٦٠. إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (٦١ / ١١) - فاعلن فاعلن فاعلن

٦١. إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (٥٤ / ٢٢) - فاعلن فاعلن فاعلن

۶۲. إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱ / ۷۸) - فاعلن فاعلن فاعلاتن

۶۳. فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا (۹۳ / ۱۲) - مفاعيلن مفاعيلن

مفاعيلن فعولن

۶۴. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ (۶۰ / ۳۶) - مفاعيلن مفاعيلن مفاعيلن

۶۵. وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا (۳۲ / ۴۵) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۶. فَذَكَّرَ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ (۲۱ / ۸۸) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۷. فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا (۳۹ / ۲۷) - مفاعيلن مفاعيلن فعولن

۶۸. نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ (۱۸۷ / ۲) - مفاعيلن مفتعلن فاعلن

۶۹. فَاعْتَنُوا اللَّهَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹ / ۲) - مفتعلن مفتعلن فاعلن

۷۰. أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا (۴۰ / ۳۵) - فاعلن مفتعلن مفتعلن

مستفعلن

۷۱. لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ (۵۵ / ۲۸) - فعولن فاعلن فاعلاتن

فاعلن

۷۲. أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَبِينَةٍ مِنْ رَبِّهِ (۱۸ / ۳۲) - فعلاتن فعلاتن فعلاتن

فاعلن

۷۳. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا (۴۳ / ۳۰) - فعلاتن فعلاتن فعلاتن

۷۴. وَتَعَرَّضْ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلْ مَنْ تَشَاءُ (۲۶ / ۳) - فعلات فاعلاتن فعلات

فاعلاتن

۷۵. فَإِذَا فَرَعْتَ فَأُنْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۷ / ۹۴) - فعلات فاعلاتن

فعلاتن فعلاتن

۷۶. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا (۴۳ / ۷) - مستفعلن مستفعلن فعولن

فعولن

٧٧. أَوْجَادُلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ (٤٠ / ٤) - مستفعلن

مستفعلن مفاعِلن فعولن

٧٨. بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ (٣٤ / ٣٣) - مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن

٧٩. إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١٠ / ١٥) - مستفعلن

مستفعلن فعولن مفاعِلن فعولن

٨٠. يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا (٧٢ / ٢) - فع لن مفاعِلن مفاعِلن

٨١. نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (٦١ / ١٣) - مستفعلن

مستفعلن فاعِلن مفاعِلن فاعِلن

٨٢. وَالَّذِي قَالَ لِيَوْمَئِذِهِ أَفْ لَكُمْ مَا - (٥٧ / ١٧) - فاعِلاتن فعلات فاعِلاتن

فعلن

٨٣. إِنَّ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (١٢ / ٣١) - مفعولن فع لن فعِلن فعولن

٨٤. قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لِكِ هَذَا (٣ / ٣٧) - فاعِلاتن فعلاتن فعلاتن

٨٥. إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (٥٦ / ٩٥) - فاعِلاتن فعلاتن فاعِلن

٨٦. صُمُّ بَكُمْ عَمِي، فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (٢ / ١١٧) - فع لن فع لن فع لن

مفاعِلن فعل

٨٧. كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (٢٧ / ٨٢) - فع لن فعولن مفاعِلن فعل

٨٨. أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ (١١ / ٨٥) - فع لن مفعولن

مفعولن فعولن

٨٩. فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (٤٢ / ٤٠) - مفاعِلن مفاعِلن

مفاعِلن فعولن

٩٠. وَلَا هُدَىٰ وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (٣١ / ٢٠) - مفاعِلن مفاعِلن فاعِلن

٩١. فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (٣٧ / ٧٠) - مفاعِلن مستفعلن فاعِلن

۹۲. لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى (۲ / ۲۶۴) - مستفعلن متفاعلن

مستفعلن فعل

۹۳. وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۶ / ۵۵) - فعلاتن فعلاتن فاعلن

فاعلن

۹۴. سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸ / ۳۴) - مفعولاتن مفاعلن

مفاعيلن فاعلن

۹۵. إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى (۶ / ۷۱) - مفتعلن مفتعلن فعولن

۹۶. هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ (۳ / ۵۲) - فعولن فعلاتن

فعلاتن فعلاتن فعل

۹۷. وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (۲۸ / ۷۰) - فعلاتن مفاعلن مفاعيلن

۹۸. بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ (۵ / ۲۱) - مفاعلن مستفعلن فاعلن

۹۹. قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ (۸ / ۳۸)

مفاعلن مفتعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۱۰۰. وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ (۲ / ۱۹۸) - فاعلاتن مفاعلن فع

۱۰۱. وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ (۳۶ / ۴۳) - مفاعلن مفتعلن

مفاعلن فاعلن

۱۰۲. فَاعْتَرِزُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ (۲ / ۲۲۲) - مفتعلن مفاعلن فعولن

۱۰۳. إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲ / ۳۲) - مفتعلن فاعلاتن فعل

۱۰۴. جَنَابٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ (۹ / ۱۰۰) - مفعولن فع لن فاعلاتن

فع لن

۱۰۵. كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۲۷ / ۸۲) فع لن فعولن مفاعيلن فعل

۱۰۶. ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ (۱۱ / ۴۱) - مستفعلن مفتعلن

مفاعِلن فعولن

۱۰۷. رَحِمَتْ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲ / ۴۳) - مفتعلن فعلاتن

مفعولن فعل

۱۰۸. وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ (۳۴ / ۴۶) - مفاعِلن مفاعِلن

مفتعلن فعولن

۱۰۹. أُمَّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ - أُمَّ هُمْ الْمُصِيطِرُونَ (۵۲ / ۳۷)

مستغعلن مفاعِلن فاعِلن - مفاعِلن فاعِلن

۱۱۰. قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ - إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۱۲ / ۵۵)

فاعلاتن فاعلات فاعلاتن - مستفعلن فاعِلن

۱۱۱. أُمَّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ - الْوَهَّابِ (۳۸ / ۹)

مستفعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن - مفعولن

۱۱۲. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ - رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (۴۴ / ۸)

فعلات مفعول مفاعيل فعل - فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل

د: در بین آیات موزون به آیاتی بر می خوریم که در بین دو آیه موزون

کلمه یا حرفی فاصله شده و با نادیده گرفتن آن، دو آیه موزون به صورت دو

مصراع از یک بیت در می آیند. این گونه موارد در قرآن کریم اندک و به چند

مورد خلاصه می شوند.

۱- أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ - (ثُمَّ) أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ (۳۵ و ۳۴ / ۷۵) - مفعول

فاعلاتن - مفعول فاعلاتن

۲- إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا - (ف) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶ و ۵ / ۹۴) - مفتعلن

فاعلاتن - مفتعلن فاعلاتن

ه: بخشی از آیات موزون چندین بار در یک سوره یا سوره های مختلف تکرار شده اند. موارد زیر از جمله این آیات می باشند.

- ۱- **وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** (۳/۱۸۹ - ۵/۱۷ - ۴۵/۲۷ - ۲۴/۲۴ - ۴۲ - ۴۸/۱۴ - ۵/۱۸) - **فعولن فعولن فعولن**
- ۲- **إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ** (۱۸/۲۱ - ۴۶/۱۷ - ۴۵/۳۲ - ۱۰/۵۵ - ۴۰/۴۰ - ۷۷ - ۴۰/۵۵ - ۳۰/۶۰ - ۴۵/۳۲ - ۱۰/۳۵ - ۳۱/۳۳ - ۴۶/۱۷ - ۲۸/۲۸ - ۱۳ - ۱۸/۲۱) - **فاعلاتن فاعلاتن**
- ۳- **إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** (۲۶/۲۲۰)، (۴۱/۳۶)، (۸/۶۱)، (۴۴/۶)، (۱۲/۱۲) - **فاعلن مفاعلن فاعلن** (۱۷/۱)
- ۶- **إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ** (۲/۲۰۸)، (۲/۱۶۸)، (۶/۱۴۲)، (۴۳/۶۲)، (۶۳/۶۳) - **فاعلن مفاعلن فاعلن** (۶۰)
- ۸- **أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** (۲۲/۶)، (۴۱/۳۹)، (۴۶/۳۳) - **فاعلن فعل فاعلاتن فعل**
- ۳۳- **إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** (۶۷/۱۳)، (۳۵/۳۸)، (۴۲/۲۴)، (۸/۸) - **فاعلات فع لن فعولن فعل** (۴۳)، (۳۹/۷)

و: برخی از آیات موزون، ترکیبی از چند قالب وزنی هستند که به ترتیب به دنبال هم می آیند.

- ۱- **إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي / يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا / فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا / وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ** (۲۳/۱۰۹)
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن / مفاعیل فاعلن مفعولن / مستفعلن مفعولن / مستفعلن مستفعلن**

۲- إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا / وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۱۶) /

(۹۹)

فاعلن مفتعلن مفعولن / مفاعلن مفاعلن / فعلاتن فعل فعلاتن فع /

۳- رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا / بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا / وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً /

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳ / ۸)

فاعلن فاعلن مفاعلن / فاعلن مفاعلن / فع مفاعلن فعل / فع فعلاتن فع

لن

۴- أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ / وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ / الَّذِي أَنْقَضَ

ظَهْرَكَ / وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴۹ / ۱ - ۴)

مفاعیلن مفاعیلن / فاعلاتن فاعلاتن / فاعلاتن فعلاتن / فعلاتن فعلاتن

۵- اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ / ثُمَّ يُعِيدُهُ / ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۰ / ۱۱)

مستفعلن فعولن / فع لن مفاعلن / مستفعلن مستفعلن

نتایج مقاله

قرآن کریم تنها کتابی است که از همه ظرفیت های بالقوه سخن، چه آنچه در نظم و شعر می تواند نمایان شود، چه در نشر علمی و ادبی و حتی شاخص هایی که در کلام عامیانه ظهور و بروز می یابد، به فراخور موضوع و مبتنی بر معنا و نوع پیام، بهره می گیرد، اما در هیچ یک متوقف نمی شود. از این رو وجود حلقه هایی از اوزان عروضی در کنار دیگر حلقه های متنوع زنجیره کلام وحی، امری کاملاً طبیعی و مخالف ساختار و روح حاکم بر نظام زبانی قرآن کریم نیست. در میان همه سوره های قرآن کریم، جلوه هایی از آیات موزون، دیده می شود. وزنه های عروضی موجود در قرآن کریم، وزنهایی روان، با ضرب آهنگی بالا و بسیار گوشنواز هستند. این اوزان بیشتر هم راستا با اوزان شعر و نظم فارسی است و شباهت و سنخیتشان

با اوزان سنگین موجود در گستره شعر و نظم عربی بسیار اندک است. ازین رو می توان چنین استنباط کرد که سخن سرایان ایرانی، بیش از آنکه تحت تاثیر عروض عربی باشند، در آفرینش های ادبی خود، از قرآن کریم الهام گرفته و مفتون موسیقی کلامی کتاب وحی شده اند. افزون بر وزن هایی که در مجموعه آثار ادبی منظوم فارسی و یا عربی یافت می شود و اکثر قریب به اتفاق آنها را می توان در بین آیات موزون قرآن کریم پیدا کرد، در بین آیات موزون، به جلوه هایی از وزن برمی خوریم، که نمونه و مصداقی در سخن منظوم ندارد. با تقطیع هجایی کل قرآن کریم و شناسایی آیات موزون، مشخص گردید که تعداد آیات موزون در قالبهای مختلف دو رکنی، سه رکنی، چهار رکنی، پنج رکنی و بالاتر نزدیک به پنج درصد کل آیات قرآن کریم است و ما در این مقاله تنها به معرفی برگزیده هایی از وزنهای قرآنی بسنده کرده ایم. تعداد محدودی از آیات موزون در قالب مصرع های دو تایی، سه تایی و چهار تایی هم وزن هستند که بیشترین شباهت را به سخن منظوم دارند. بخشی از آیات موزون در قالب یک آیه مستقل خودنمایی می کنند؛ اما بیشتر آیات موزون بخشی از یک آیه می باشند و نه همه آیه. گاهی نیز یک آیه موزون، از چند قالب وزنی تشکیل شده که البته وزن یکسانی ندارند. شناسایی آیات موزون قرآن کریم، ضمن آنکه در تحلیل حقیقی و درک واقعی از ساختار زبانی و جنبه های اعجازی کتاب وحی نقش اساسی دارد، در عرصه توسعه و تحول دانش وزن شناسی و مطالعات موسیقایی، بسیار موثر و راهگشا خواهد بود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن رشیق قیروانی، ابوعلی حسن، العمده، به تصحیح محمد یحیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۹۵۵م.
۳. اخوان ثالث، مهدی، حریم سایه های سبز (مجموعه مقالات)، تهران، ۱۳۷۳ش.
۴. حموی، ابن حجره، خزانه الادب و غایه الارب، جمالیه (قاهره)، المطبعه الحریه، ۳۰۴ق.
۵. اصفهانی، میرزا حسن (صفی علیشاه)، دیوان اشعار، چاپ دوم، تهران انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۸۵ش.
۶. المدنی، السید علی صدرالدین بن معصوم، انوار الربیع فی الانواع البدیع، نجف اشرف، مطبعه النعمان، ۱۹۸۶م.
۷. انوار، سید امیر محمود، ایوان مدائن از نظر دو شاعر تازی و فارسی، بحتری و خاقانی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۸. انیس، ابراهیم، موسیقی الشعر، الطبعة الرابعه، مکتبه الانجلو مصریه، ۱۹۷۳م.
۹. باقلانی، محمد بن الطیب، اعجاز القرآن، تصحیح السید احمد الصقر، دارالمعارف.
۱۰. جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التبیان، به کوشش حجه الاسلام محمد هارون، بیروت، بی تا.
۱۱. دهلوی، حسین، پیوند شعر و موسیقی آوازی، چاپ چهارم، تهران، موسسه فرهنگی هنری ماهور، ۱۳۹۱ش.
۱۲. رجایی بخارایی، احمدعلی، پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۹ش.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالترتات.
۱۴. سعدی شیرازی، شرف الدین مصلح بن عبدالله، کلیات اشعار، چاپ دوم، تهران، انتشارات منشا دانش، ۱۳۸۹ش.
۱۵. شریف، بابک و فاطمه بهرامی، اعجاز موسیقایی قرآن در آئینه عبارت های موزون عروضی، فصلنامه پژوهشهای ادبی قرآنی، سال چهارم شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵ش.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۸ش.
۱۷. صالحی، علیرضا، تحلیلی بر نظام زبانی قرآن کریم و نقد نظریه جاحظ در زمینه آیات وحی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
۱۸. فارابی، ابونصر، الموسیقی الکبیر، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک حبشه، دارالکتب عربی، قاهره.
۱۹. ناتل خانلری، پرویز، وزن شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱ش.